فَاغْتَنَمُوا الْفُرصَةَ مِنْ وُصولِه؛ لِأَنَّهُم كانوا في عَذابٍ شَديدٍ مِنْ قَبيلَتَينِ وَحشِيَّتَينِ
پس غنیمت شمردند فرصت را از رسیدنش؛ زیرا آنها در عذابی شدید از دو قبیله ای وحشی بودند
تَسكُنانِ وَراءَ تِلكَ الْجِبالِ؛ فَقالوا لَهُ:
که زندگی می کردند پشت آن کوه ها؛ پس گفتند به او:
إنَّ رِجالَ هاتَينِ الْقَبيلَتَينِ مُفسِدونَ يَهجُمونَ عَلَينا مِنْ هٰذَا الْمَضيقِ؛ فَيُخَرِّبونَ
همانا مردان این دو قبیله فاسدند حمله می کنند برما از این تنگه ؛ و خراب می کنند
بُيوتَنا وَ يَنهَبونَ أموالَنا، وَ هاتانِ الْقَبيلَتانِ هُما يَأجوجُ وَ مَأجوجُ.
خانه های ما را و به غارت می برند اموالمان را و این دو قبیله همان یأجوج و مأجوج هستند .
لِذا قالوا لَهُ: نَرجو مِنكَ إغلاقَ هٰذَا الْمَضيقِ بِسَدٍّ عَظيمٍ، حَتّىٰ لا يَستَطيعَ
بنابراین گفتند به او : می خواهیم از تو بستن این تنگه را با سدی بزرگ ، تا نتوانند
الْعَدوُّ أن يَهْجُمَ عَلَينا مِنهُ؛ وَ نَحنُ نُساعِدُكَ في عَمَلِكَ.
دشمن که حمله کند برما از آن ؛ و ما کمک می کنیم تو را در کارت .
بَعدَ ذٰلِكَ جاؤوا لَهُ بِهَدايا كَثيرَةٍ، فَرَفَضَها ذوالقَرنَينِ وَ قالَ:
بعد از آن هدیه های زیادی برای او آوردند پس او رد کرد آنها را ذوالقرنین و گفت :
عَطاءُ اللّٰهِ خَيرٌ مِنْ عَطاءِ غَيرِهِ، وَ أطلُبُ مِنكُم أنْ تُساعِدونـي في بِناءِ هٰذَا السَّدِّ.
بخشش خدا بهتر از بخشش غیر اوست ، و می خواهم از شما که کمک کنید به من در ساختن این سد .
فَرِحَ النّاسُ بِذٰلِكَ كَثيراً.
خوشحال شدند مردم از آن بسیار .
أمَرَهُم ذوالْقَرنَينِ بِأنْ يَأتوا بِالْحَديدِ وَ النُّحاسِ، فَوَضَعَهُما في ذٰلِكَ الْمَضيقِ وَ
دستور داد به آنها ذوالقرنین که بیاورند آهن و مس را ، پس قرار داد آنها را در آن تنگه و
أشْعَلوا النّارَ حَتّىٰ ذابَ النُّحاسُ وَ دَخَلَ بَينَ الْحَديدِ، فَأصْبَحَ سَدّاً قَوِيّاً.
روشن کردند آتش را تا ذوب شود مس و وارد شد بین آهن پس قدری شد .
فَشَكَرَ الْقَومُ الْمَلِكَ الصّالِحَ عَلىٰ عَمَلِهِ، وَ تَخَلَّصوا مِن قَبيلَتَي يَأجوجَ وَ مَأجوجَ.
پس تشکر کردند قوم از پادشاه صالح به خاطر کارش و رهایی یافتند از دو قبیله یأجوج و مأجوج .
وَ شَكَرَ ذوالْقَرنَينِ رَبَّهُ عَلىٰ نَجاحِهِ في فُتوحاتِهِ.
و تشکر کرد ذوالقرنین از پروردگارش به خاطر موفقیتش در فتح هایش .

